

فاشیسم و تروریسم آمریکا-اسرائیل

جلوهای از نظم نوین جهانی

بحران خلیج و پایان بلوک شرق آن را علم کرد، خوانایی دارد. بنا بر این علاوه بر فاکتورهای منطقه‌ای و محلی و نقش مخرب راست افراطی در جامعه اسرائیل و تروریستهای اسلامی در فلسطین، بن بست موقعیت بوجود آمده در خاورمیانه را در پرتو نقش آمریکا و "نظم نوین جهانی" مورد نظر او باید ارزیابی کرد.

آنچه در این دوره مشاهده میشود، تکرار صرف حمایت سنتی آمریکا از اسرائیل نیست، بلکه مستقیماً سهمیه بودن در سیاست فاشیستی و جنایتکارانه دولت اسرائیل است، که با روی کار آمدن دولت بوش صراحت و شدت بیسابقه‌ای به خود گرفته است. هر چند دولت بوش تحت شرایط بین‌المللی به وجود "دولت مستقل فلسطین" کردن بگذارد، اما آمریکا در خاورمیانه و در قضیه فلسطین - اسرائیل حل سراسر معضل این منطقه را تعقیب نمیکند. ایجاد موقعیت برابر دولت فلسطینی با موقعیت برابر با دولت اسرائیل را

صفحه ۲

مشترکهای سیاست آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه، چنین موقعیت و بن‌بستی را ایجاد کرده است.

جلوهای از نظم نوین جهانی

وقایع اخیر به طرز غم‌انگیزی، نگاهها را متوجه نقش آمریکا و کارکرد آن برای پایان دادن به فاجعه کنونی و جلوگیری از وقوع فاجع هولناک منطقه‌ای دیگر کرده است. مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا خاوییر سولانا به طرز سمبلیکی گفت "کاری از دست ما بر نیاید، باید ماموریت آقای پاول را تقویت کنیم" دولتهای مرتجع عربی نیز با طرح انتظاراتشان از "پاول" ناتوانی و عجز بیشتر خود را بیان کردند. امروز در این مهمترین مناقشه جهانی و منطقه‌ای آمریکا نیرویی است که حرف اول و آخر را میزند. این با هدف تعریف شده "نظم نوین جهانی" که یکدهه قبل جرج بوش پدر جرج بوش، در خلال

خاصیت خنثی کردن فشار کشورهای عربی و اروپایی و افکار عمومی را داشت تا اینکه بخواهد اسرائیل را به عقب نشینی عملی وادار کند. کالین پاول آگاهانه و عامدانه سفر خود را از کشورهای عربی شروع کرد و با تاخیر وارد اسرائیل و مناطق فلسطینی شد، تا ارتش اسرائیل وقت بیشتری برای تداوم اشغال و سرکوبگری در اختیار داشته باشد. از این بدتر در مدت حضور او اردوگاه "جنین" به صبرا و شتیلای دیگری تبدیل شد، مروان برغوتی دستگیر شد، جنایات ارتش اسرائیل با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد و وزیر خارجه آمریکا با سکوتی رضایت‌آمیز از کنار آن گذشت. بر خلاف نظریه مفسران خام اندیش، ناکامی سفر وزیر خارجه آمریکا تنها حاصل ایستادگی و سرسختی دولت فاشیست اسرائیل و آریل شارون جنایتکار نبود. بلکه خود سیاست آمریکا، و یا دقیقتر بگویم فصل



رحمان حسین زاده

روز چهارشنبه کالین پاول در موقعیتی خاورمیانه را ترک کرد، که نه تنها به اهداف اعلام شده سفر خود نرسید، بلکه نتوانست دولت اسرائیل را نیز به بازگرداندن سریع ارتش از مناطق اشغالی و پایان دادن به کشتار دسته‌جمعی فلسطینیان متعهد کند. لفاظیهای جرج بوش قبل از سفر وزیر امور خارجه مبنی بر عقب نشستن فوری ارتش اسرائیل از شهرها و مناطق اشغالی بیشتر

اطلاعه اول مه
حزب کمونیست
کارگری ایران
صفحه ۴
پاسخی به مدافعین
کثیرالمله نامیدن ایران
صفحه ۳
مروان برغوتی باید
فورا آزاد شود
صفحه ۴

ایسکرا
سرمدبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: 00448701687574
آدرس:
K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm
پست گیزو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

خصوصیات اول مه در کردستان

بدست آمده است. حفظ و ارتقاء سنتهای موجود تضمین شرایط بشدت بحرانی‌ای است که فردا دامنگیر کارگران و مردم آزادیخواه خواهد شد، برای تلاش و مبارزه برای بدست گرفتن قدرت سیاسی و تعیین تکلیف با سرمایه و کارمزدی.

اول ماه مه روز ابراز وجود مبارزاتی و اجتماعی مردم و کارگران:

سال گذشته سال مبارزات توده‌ای مردم و سال اعتراضات وسیع کارگری در ایران بود، سال ۸۰، سال اعتصابات و اعتراضات کارگری در ایران بود، بیش از ۳۰۰ اعتراض کارگری در سال گذشته، نشان از یک شرایط جدید در اعتراضات کارگری به نسبت سالهای گذشته در ایران

کمونیسم کارگری در کردستان است. اگر در اول ماه مه سال ۵۸، کارگران نهال این سنت جهانی را در کردستان، جامعه بلافصل و محیط مستقیم کار و زندگی خود کاشتند و بارآور کردند، اگر در جریان جنبش اول مه سنج در طی سالهای متوالی در دل اختناق اسلامی، سنت‌های سیاسی و مطالباتی جنبش کارگری را در مراسمهایشان تثبیت کرده‌اند، وظیفه هر فعال کارگری، هر فعال کمونیست و کادر و اعضای حزب کمونیست کارگری زنده نگهداشتن و بازتولید سنتهایی است که طی بیش از دو دهه مبارزه در کردستان در ارتباط با جنبش اول مه



نسان نودینیان

اول مه، در کردستان به بخشی از خودآگاهی طبقاتی کارگران تبدیل شده است. تلاش برای بازتولید و ارتقاء آن اکنون دیگر یک عرصه دائمی و فعالیت تعطیل‌ناپذیر

رادیو انترناسیونال
هر شب
۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه
بوقت تهران
طول موج
۳۱ متر برابر با
۹۹۴۰ کیلوهرتز
تلفن:
۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹
اطلاعات و پیامگیر رادیو:
۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷
روزهای یکشنبه
نیم ساعت به
زبان کردی

◀ خصوصیات اول مه

و اتحاد مبارزاتی در میان مردم را بشکل ملموسی به نمایش گذاشت. امسال در روز اول ماه مه کارگران و مردم حق طلب و آزادیخواه در شهرهای کردستان میتوانند به این همبستگی مبارزاتی دامنه بیشتری بدهند. در روز اول ماه مه در مراسمهای کارگری باید بیشترین تجمع از معلمان، پرستاران و مردم زحمتکشی سازمان داده شود که در سال گذشته درگیر یک مبارزه دائمی برای ادامه زندگی و تامین معیشت بودهاند. روز اول مه روز اعتراض اجتماعی به نابرابری و ستم طبقاتی است. در اینروز هزاران هزار نفر از مردم شهرهای کردستان میتوانند با تجمع در مراسمهای کارگران پرچم یک دنیا بهتر فارغ از ستم و نابرابری اجتماعی را به خیابانها بیاورند. روز اول مه روز همسرنوشتی مردم ستمدیده است.

روز اول ماه مه روز تقویت گرایش کمونیستی و رادیکال در درون طبقه کارگر و مردم است:

حکومت بورژوازی اسلامی و سرمایهداران از تجمع اول ماه مه هراس دارند. دقیقاً به این دلیل اول ماه مه ظرف اتحاد و تشکل کارگران است، و به این دلیل که در اینروز مطالبات رادیکال و

کمونیستی در مقابل آنها علم میشود. به هر درجه فعالین جنبش کارگری بتوانند در روز اول مه در ایجاد مراسمهای مستقل کارگری دخالت کنند، و موجبات شرکت تعداد زیادی از خانوادههای کارگری و مردم را فراهم کنند، به همان نسبت توانستهاند شعار و مطالبات رادیکال و مبارزاتی کارگران را در جنبش کارگری و جنبش توده‌ای گسترده و وسیع کنند، و به ایجاد تشکلهای مبارزاتی در میان توده‌های کارگر و مردم کمک کنند. طرح مطالباتی از قبیل "افزایش فوری دستمزدها"، "پرداخت فوری حقوق و مزایای عقبافتاده"، "آزادی بدون قید و شرط تشکل و بیان و عقیده"، "برابری حقوق زنان با مردان"، و دهها مطالبه و شعاری که در درون مبارزات کارگری و توده‌ای مردم مطرح شده است، مطالبات و خواستهایی هستند که توسط ما کمونیستها روزانه تبلیغ میشود. با طرح این مطالبات و در کنار آن طرح شعار سرنگونی رژیم جنایتکار سرمایه اسلامی، اول ماه مه به روز تقویت گرایش رادیکال و کمونیستی کمک میکند.

اول ماه مه سنت کمونیسم کارگری در کردستان:

اول ماه مه در کردستان، ارتقاء

و رشد این جنبش تا سطح برپایی مراسمهای قدرتمند مستقل کارگری در شهرهای کردستان بویژه سنندج به عروج و رشد جریان و گرایش کمونیسم کارگری در کردستان مربوط است، از این جریان نشات گرفته و برخاسته است. اول ماه مه سالهای ۶۴ تا ۶۸ در سنندج، و در ادامه سنت پایدار برپایی اول مه و مراسمهای مستقل کارگری تا امروز پژواک گرایش کمونیسم کارگری در کردستان است. کمونیسم کارگری با استوار کردن و متکی شدن به سازمانیابی کارگران و مردم زحمتکش در کردستان برای اولین بار در تقابل با جنبش "گردابیتی" که از روز جهانی کارگران برای امیال "ملی" و "میهنی" و "کردستانی" و اخیراً "قوم پرستی" با طرح مطالبات صنفی در چهارچوب "جنبش خودمختاری" و "فدرالیسم" مینگریست، اینبار بالگوی سازمانیابی کارگران و با بدست گرفتن تجارب مبارزات کارگران در سطح بین‌المللی به تقویت گرایش رادیکال و کمونیستی در درون جنبش کارگری پرداخت، و طی سالها با جواب دادن به معضلات درون جنبش کارگری و با طرح مطالبات شفاف و روشن کارگران و تا امروز با طرح یک دنیای

بهتر برنامه‌ریزی میلیونها نفر از مردم از زیر بار ستم طبقاتی سرمایه، قدم به قدم در راه کسب قدرت سیاسی بعنوان آلترناتیو سوسیالیستی در جامعه عمل کرده است. در این رابطه وظیفه فعالین کمونیسم کارگری در شهرهای ایران این است که در طرح مطالبات رادیکال و سازمانیابی کارگران و توده‌های مردم برای برپایی مراسمهای باشکوه اول مه دخالت کنند و با استفاده از تجارب اول مه‌های گذشته مراسمهای روز کارگران را به تجمعات بزرگ و باشکوه زنان و مردان محلات و شهرها تبدیل کنند.

خانواده‌های کارگری و مردم زحمتکش ستون برپایی مراسم باشکوه روز کارگر هستند:

سنتا و از قدیم و ندیم، سنت اول مه در کشورهای مختلف جشن کارگران و ستمدیدگان جامعه است. خانواده‌های کارگران ستون اصلی و فعال برپایی مراسمهای روز جهانی کارگران بوده‌اند، با شرکت در این مراسمها به فضای سیاسی و مبارزاتی و شادمانی برپایی روز کارگر تجلی بخشیده‌اند. رقص و ترانه‌خوانی و سرود و تاتر را با تعریف خاطرات تلخ و شیرین از زندگی و رود رویی با سرمایه را انجام داده‌اند و در بیشتر مراسمها مدافعین مطالبات

صدور قطعنامه سنت پایدار جنبش اول ماه مه:

صدور قطعنامه، و بیانیه‌های اعتراضی که بعد از اول مه به ظرف اعتراضی و مبارزاتی کارگران تبدیل شود، از شیوه‌ها و سنت‌های پایدار مراسمهای مستقل کارگری در کردستان بوده‌اند. امسال با توجه به فشار



تحت فشار قرار دهد. خواست فوری پایان دادن به اشغال مناطق فلسطینی، به رسمین شناختن دولت مستقل فلسطین و محاکمه جنایتکار جنگی آریل شارون و پایان دادن به تروریسم گروه‌های اسلامی را در صدر خواسته‌های برحق خود قرار دهد. نفرت و بی‌زاری از اسرائیل و حمایت مستقیم آمریکا از آن در پهنه جهان وسیع است. بر این بستر اعتراضات کنونی گسترده و اما اسیر دست افکار و سیاست ناسیونالیستی و اسلامی است. تقابل با این سیاستها و به حاشیه راندن آنها وظیفه عاجل چپ و کمونیستها در این دوران و در جنبش اعتراضی کنونی است. سروسامان گرفتن جنبش نیرومند آزادیخواهی، سکولار و مترقی و برابری طلب عامل مهمی در شکستن بن‌بست کنونی تحولات خاورمیانه خواهد بود.



کننده است که تصور شود در کشمکش و جنگ کنونی، فلسطینیها فقط با اسرائیل روبرو هستند، در این جنگ اسرائیل و آمریکا در کنار هم در مقابل مردم و جنبش فلسطین صف‌آرایی کرده‌اند. آمریکا میانجی نیست، این واقعیت تلخی است که همگان و قبل از همه خود فلسطینیها میدانند، اما قدر قدرتی آمریکا چنین "میانجی" را به آنها تحمیل کرده است. آمریکا طرف مقابل موقعیت برتر خود در سطح جهانی، در نظر دارد سازش و تمکین را تحت نام "صلح بر آنها تحمیل کند. اقدامی که تاکنون به درست یاسر عرفات و فلسطینی‌ها از آن سرباز زده‌اند.

وقایع کنونی خاورمیانه و فجایع در فلسطین علاوه بر فاشیسم آشکار رژیم نژادی، مذهبی اسرائیل جلوه‌ای از نظم نوین جهانی مورد نظر آمریکاست

آمریکا - اسرائیل هر دو باید تحت فشار قرار گیرند.

هژمونی طلبی آمریکا و نظم نوین آن در این دهساله و هم اکنون با موانع، محدودیتها و

تناقضات جدی روبرو بوده است. واقعه ۱۱ سپتامبر و تحولات بعدی مساعدترین دوران یکتاریخ آمریکا در صحنه سیاست جهانی بود. اکنون تحولات خاورمیانه شمارش معکوس این روند را نشان میدهد. تناقضات قدیم و جدید سربرآورده‌اند. اروپای قاره فاصله خود را بیشتر میکند، دوول عربی، حتی سرسپردترین آنها به آمریکا، تحت فشار از پایین از سیاستهای آمریکا ناخشنود و با آن مخالفند. این عوامل میدان مانور آمریکا را محدود میکند، اما این دولتها آن نیرویی نیستند که فشار مستقیم و سرراستی علیه آمریکا اعمال کنند و چنین انتظاری هم بیمورد و توهم انگیز است. انسانیت و آزادیخواهی و جنبش سکولار و مترقی آن بستر است که لازمست گسترش یابد و تقویت شود. جنبش اعتراضی مترقی لازمست که آمریکا را سهم جرم اسرائیل معرفی کند، آمریکا و اسرائیل هر دو را

در پاسخ مدافعین "کثیرالمله" نامیدن ایران



حسین مرادیگی

تنها به ایران محدود میبود، این مکان را پیدا نمیکرد و شاید ستم ملی برای مردم کردستان در کنار دیگر ستم ها و بی حقوقیهای سیاسی و اقتصادی موجود در جامعه تحت حاکمیت دیکتاتوریهای بورژوازی ایران، سلطنتی و اکنون اسلامی، فرعی تر از آنچه که اکنون هست مینمود و شاید از نظر مردم نیز قابل اغماض تر بود.

در مورد "کثیرالمله" بودن ایران: مساله مورد مشاجره از نظر من در طرح این مساله، مقوله "ملت"، مساله ملی و شناساندن ماهیت تلاشی است که برای تعریف یک واحد یا واحدهای قدرت سیاسی در ایران بر مبنای "ملت" ("ملت ایران") و یا بر مبنای "چند ملت" ("ملل ساکن ایران") انجام میگردد.

به صرف اینکه انسانهایی با زبان و فرهنگ و سرزمین و اقتصاد و حتی بقول اینها دین و لباس مشترک با هم زندگی بکنند نمیشود دلخواه که سهل است حتی غیر دلخواه هم تعریف ایژکتیوی از مقوله "ملت" از آنان بدست داد. با این معیار هیچ گروه اجتماعی را نمیتوان از قلم انداخت. چون ملت مقوله ای نیست که بسادگی قابل تعریف باشد. میشود از نژاد، یا قومیت و زبان تعریفی بدست داد ولی نمیتوان از "ملت" تعریف ایژکتیوی بدست داد. ملت هویتی است ناسیونالیسم است برای خدمت به منافع سیاسی و اقتصادی و مادی خاصی. پیروزی بورژوازی بدون تحقق خرافه تعلق ملی و شکل دادن به هویت کاذب ملی ممکن نیست. در مقابل کمونیسم برای از میان بردن مرزهای ملی و لغو هویتهای ملی تلاش میکند. جامعه کمونیستی جامعه ایست که در آن تفکیک ملی و کشوری انسانها وجود ندارد. از نظر اینها مقوله "ملت" و "حق ملی" قبل از هر چیز بدیهی و بدون تردید پذیرفته شده است. من در مقاله فدرالیسم، سناریوی سیاه، نوشتم که عبدالله مهتدی در مصاحبه خود با شورش شماره ۱۰ وقتی در مورد میلاسویچ

حرف میزند، بلافاصله و اتوماتیک از او بعنوان رهبر "صربها" نام میبرد. چون از نظر اینها انسانهای یک جامعه صرفنظر از کارگر، بورژوا، زن و مرد و فقیر و غنی و غیره جزء متعلقات مقوله "ملت" هستند و سران طبقه حاکمه نیز اتوماتیک رهبران آنان محسوب میشوند. از نظر اینها "ملت" آن ظرف عمومی ای است که مردم یک کشور قبل از هر دست بندی دیگری بعنوان طبقات و غیره باید در آن جا بگیرند. به این دلیل از نظر اینها جنبش ملی موجود و غیر موجودی که ممکن است حتی در آینده نیز شکل بگیرد، اتوماتیک بار مثبتی دارد، تنها کاری که مانده است این است که حضرات قلم در دست به سرشماری "ملل" مربوطه بپردازند و گواهی واجد شرایط بودنشان را صادر کنند. بحث "کثیرالمله" بودن ایران برای اینها و برای بخش باقی مانده و فسیل شده چپ سنتی نیز این خاصیت را دارد. مشکل اینها عدم اطلاع و معرفتی نیست، بلکه از ناسیونالیسم و ملت پرستی اینهاست. ملی گرای کرد "کثیر الملّه" خواندن جامعه ایران را دریچه ای برای تسری دادن حکومتهای خودمختار به سراسر ایران و مبنایی برای فدرالیسم

قومی خود میدانند. از نظر بقایای چپ سنتی نیز تعهد آنان به مقوله "ملت" است که این چپ کل هویت و کائنات سیاسی خود را بر آن بنا نهاده است. "کثیر الملّه" تعریف کردن ایران از نظر اینها ظاهرا از "یک ملت" تعریف کردن ایران توسط ناسیونالیسم ایرانی بار مثبتی و مترقیانه تری دارد. در حالیکه هر دوی اینها ناسیونالیستی است. ناسیونالیسم ایرانی نظام سیاسی کشور ایران را بر اساس مقوله "ملت ایران"، با شعار "تمامیت ارضی" و "وحدت ملی" تعریف میکند، و از آن بعنوان بهانه ای برای انکار ستم ملی و مبارزه و اعتراض مردمی که علیه آنند، استفاده میکند. اینها نیز با "چند ملیتی" تعریف کردن ایران، دارند عامدانه شکافهای ملی و قومی جدیدی را خلق میکنند. تعریف واحد حاکمیت سیاسی در ایران چه بر مبنای مقوله "یک ملت" ("ملت ایران) و چه بر مبنای "چند ملت" ("کثیرالمله)، تعریفی است ناسیونالیستی و هر دوی آن در خدمت ایجاد و ابقای ستمگری ملی و شکافهای ملی و قومی در میان مردم است. هر دوی آن تنها در خدمت درگیرها و منازعات ملی و قومی بی پایانی خواهد بود که جنگ قدرت ناسیونالیستها میتواند سالها جامعه ایران را در آن فرو برد. ۱۳ آوریل □

◀ خصوصیات اول مه

زندگی و فقر و تورم بی حد و حساب اقتصادی طرح مطالبات "افزایش فوری دستمزدها"، و پرداخت فوری "حقوق و مزایای پرداخت نشده" و در کنار آن مطالبات برابری حقوق زنان و مردان، و دهها مطالبه دیگر در شکل صادر کردن قطعنامههای اول ماه مه باید قرار گیرد.

سال ۸۱، سال پرتحول و پر از مبارزات و رود رویی با رژیم جنایتکار اسلامی است. اول ماه مه امسال میتواند، با برپایی مراسمهای تودهای و باشکوه درجه بالاتری از اعتراض اجتماعی کارگران و مردم زحمتکش را به نمایش بگذارد. سال ۸۱ سال نبردهای

تعیین کننده با رژیم کثیف اسلامی است، برای کارگران و تودههای مردم زحمتکش از جمله معلمان سال ۸۱ سال سازمانیابی و تشکل و اتحاد مبارزاتی باید باشد. برپایی مجمع عمومی کارگری و ارتباط با مجامع عمومی و نهادهای مبارزاتی کارگران از قرار و باورهای مشترک شرکت کنندگان در مراسمهای اول مه امسال باید باشد.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگران
مرگ بر سرمایه
مرگ بر جمهوری اسلامی ایران

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) خیابانها مال ماست!

کارگران، معلمان، جوانان، زنان آزادیخواه!

۱۱ اردیبهشت را به روز اعلام انزجار از نظام سرمایه داری، به روز اعتراض علیه فقر و بیکاری و تبعیض، به روز اعتراض علیه حکومت اسلامی سرمایه داران تبدیل کنید. هر چه وسیعتر به خیابانها بیایید و فریاد بزنید:

مرگ بر سرمایه داری، عامل فقر و بیکاری زنده باد آزادی، رفاه، برابری، مرگ بر تبعیض و نابرابری کارگران جهان متحد شوید! زنده باد آزادی تجمع، تشکل، اعتصاب کارگر، معلم، اتحاد اتحاد

زنده باد اول مه روز اتحاد و همبستگی بین المللی طبقه کارگر حزب کمونیست کارگری ایران اردیبهشت ۱۳۸۱ مه ۲۰۰۲

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

دولت اسرائیل باید مروان برغوتی را فوراً آزاد کند

دولت اسرائیل با اعمال قلدری شنیع، با اشغال و کشتار جمعی و دستگیری هزاران نفر از مردم فلسطین، با تخریب شهرها و مناطق مسکونی، با تکرار جنایات صبرا و شتیلا در جنین و بالاخره با دستگیری مروان برغوتی، از رهبران بلندپایه سازمان الفتح نهایتاً می‌خواهد تمامی یک مردم را به اسارت کامل درآورد و آنگاه به پای "مذاکره" ای بکشد که معنای واقعی آن تسلیم است. این جنایات فاشیستی پیروزی ندارد. فاشیسم هیتلری نتوانست شرایط خود را به بشریت تحمیل کند، فاشیسم اسرائیل هم قادر نخواهد شد.

حزب کمونیست کارگری ایران دستگیری مروان برغوتی توسط ارتش اسرائیل را شدیداً محکوم می‌کند. مروان برغوتی و هزاران فلسطینی که در جریان لشکرکشی فاشیستی اخیر اسرائیل دستگیر

در دفاع از اهداف کمونیستی جانباختگان گردان شوان

با ما همراه و همصدا شوید!

داد! و از تمامی فعالین کمونیست و آزادیخواه می‌خواهیم که همراه و همصدا با ما به این کمپین بپیوندند زیرا حمایت از این کمپین قدمی است در این راه! آوریل ۲۰۰۲

اسامی امضا کنندگان اعلامیه مذکور:

- ۱ - عبدالله شریفی
- ۲ - اسماعیل ویسی
- ۳ - سعید غفاری
- ۴ - منصور فرزاد
- ۵ - عبدالله اسدی
- ۶ - فهیمه قطبی
- ۷ - سیوان رضایی
- ۸ - روناک ناصری
- ۹ - شب بو مرادی
- ۱۰ - کیهان فرزاد
- ۱۱ - خالد سوزازه
- ۱۲ - توفیق پیرخضری (سید توفیق)
- ۱۳ - آوات صادقی
- ۱۴ - رضا کمانگر
- ۱۵ - عبدال گلپریان
- ۱۶ - ولی رستمی
- ۱۷ - عمر معروفی

اطلاعیه اول مه حزب کمونیست کارگری ایران روز اول مه به صف اعتراض طبقاتی ما بپیوندید!

داری، به بنیاد اقتصادی آن، به هر شکل از آرایش سیاسی که روی آن بنا کرده اند، اعم از دیکتاتوری دمکراتیک پارلمانی نوع غربی و یا استبداد عربان نوع شرقی و روسی و چینی و اسلامی و آسیایی و آفریقایی و غیره، روز تقدمان به هر آمیزه ای از رنگ و لعاب ایدئولوژیک و فرهنگی توجیه گر این نظام، روز اعتراض به استثمار، به کار مزدی، به مالکیت بورژوازی بر وسائل تولید، و به سرکوبهای سیاسی، کشتارها، ستمها و بیعدالتی های آن است.

در ایران زیر حاکمیت جمهوری اسلامی، در کنار خواستههای بین المللی مان چون رفاه، عدالت و برابری، خواستههای سیاسی و اقتصادی روزمان هم باید بر پرچم اعتراضاتمان نقش ببندند: حقوق و آزادیهای سیاسی و مدنی در سطح استانداردهای پیشرفته جهان، افزایش چندصددرصدی دستمزدهای زیر خط فقر، بیمه بیکاری و تامین اجتماعی مکفی برای همه محرومان جامعه و بالاخره رفع هرگونه تبعیض اجتماعی، سرکوب سیاسی و رفع هرگونه تبعیض و بیحقوقی از زنان.

مردم شریف و آزادیخواه! انسانهای تشنه رفاه و عدالت و برابری!

حزب کمونیست کارگری ایران شما را به پیوستن به صف طبقه کارگر در مارشهای اول مه فرا میخواند. روز اول مه، بیرون بریزید و به صف اعتراض طبقاتی ما بپیوندید! به صف مستقل طبقه کارگر در برابر کل نظام سرمایه داری، به صف مبارزه برای برانداختن کل سیستم اقتصادی کار مزدی، برچیدن کل دم و دستگاه سیاسی سرکوبگر آن و نقد ایدئولوژیک و فرهنگی توجیه گر آن بپیوندید! این صف را هرچه نیرومندتر و متحدتر کنید.

حزب کمونیست کارگری ایران فروردین ۱۳۸۱ - ۱۳ آوریل ۲۰۰۲

۱۱ سپتامبر با جدال دو قطب تروریسم جهانی جلوی ما گذاشته اند، فضای جنگ و ترور، و دورنمای تیره ای که با این فضا فراوری بشریت گرفته اند، پرده ای است که در پشت آن یورشهای دیگرشان را علیه طبقه کارگر و میلیاردها انسان محروم جهان به پیش می برند. از بوش و شارون و صدام و بلر و برلوسکونی تا خامنه ای و خاتمی و بن لادن و ملاعمر و گله ای از دیکتاتورها و قداره بندان دیگر، از ارتشهای بزرگ و مجهز تا باندهای ترور، از پارلمانهای مجلل تا شکنجه گاههای قرون وسطائی همه برای در بند گذاشتن و محروم نگهداشتن طبقه ای است که در کار آفرینش دائم امکانات مادی برای زیستن خوشبخت، شاد، آزاد، برابر، و در صلح و دوستی انسانهاست.

در برابر این یورشها، ما کارگران جهان، به رغم هزاران زخم بر پیکرمان، بیوقفه و در هزاران شکل آشکار و پنهان، به مقاومت و مبارزه خود ادامه داده ایم. از مارش میلیونی و اعتصاب سراسری جاری در ایتالیا، تا رودرروئی های وسیع در آلمان و انگلیس و فرانسه تا مبارزات گسترده و هر روزه در ایران زیر حاکمیت اسلام تا ابراز وجود طبقاتی اخیرمان در چین و هر سنگر بستن و صف آراستنی در هر جای دیگر، همه نشانه ها و نمونه های این حقیقت اند که تحرک مبارزاتی ما و نشاط حیاتی ما، بعنوان نیروی تغییردهنده و دگرگون کننده این دنیای وارونه، از تپش نیفتاده و جهان سرمایه هم، به رغم اکراهش، قادر به چشم بستن بر آن نبوده است. این جنبش هرروزه ماست. این را نفس حیات ما، نفس موقعیت ما بعنوان طبقه استثمارشونده جامعه به ما حکم میکند.

روز اول مه اما آینه جوهر مشترک و طبقاتی تمامی این مبارزات دائم و متنوع ما در طول سال و سالیان است. روز اعتراضمان به کل نظام سرمایه

روزی نیست که بورژوا علیه طبقه کارگر نقشه ای نریزد، قانونی نیاورد و نبرد، جنگ و بلوائی راه نیندازد و تعرضی نکند. جوهر سرمایه داری، منطق کارکرد آن و مکانیسم سودآوری در آن، حکم میکند که سرمایه داران و دولتهاشان در هر نقطه دنیا در سطح خرد و کلان و محلی و جهانی، علیه ما، علیه رفاه و آزادی مان، علیه توقعات و آرزوهای انسانی مان، علیه خواستههایمان برای برخورداری از زندگی مرفه، شاد، غنی، متنوع و درخور انسان امروز، علیه تشکل و اتحادمان و حتی علیه نفس زندگی و حق حیاتمان، روز و شب طرح بریزند و یورش سازمان دهند. لیست مشقات جدیدی که از

- ۱۸ - محمد نوری
- ۱۹ - مهوش گلپریان
- ۲۰ - داریوش نیکنام
- ۲۱ - غفار غلام ویسی
- ۲۲ - ابراهیم باتمانی (شیروانی)
- ۲۳ - محمد علی قادری
- ۲۴ - ناصر الله مرادی
- ۲۵ - ملکه عزتی
- ۲۶ - شریفه معصومی
- ۲۷ - صابر رحیمی
- ۲۸ - محمد فضلی
- ۲۹ - شمس الدین صلواتی (شه می)
- ۳۰ - گلنار خانی
- ۳۱ - سردار نگل
- ۳۲ - مختار محمدی (اوپهنگ)
- ۳۳ - محمد امین کمانگر
- ۳۴ - سعید سفیدی اوپهنگ
- ۳۵ - کریم مرادی (کانی شه)
- ۳۶ - مریم ناوه
- ۳۷ - جمیله میره کی
- ۳۸ - هاشم پاکسرشت
- ۳۹ - جمال خسروی
- ۴۰ - صالح گوپلی
- ۴۱ - حیدر گوپلی
- ۴۲ - شایسته طاهر خانی
- ۴۳ - وریا احمدی (آرزان)